

## Analyzing the evolution of higher education in Afghanistan

Hamayon. Rahyab<sup>1</sup>, Kourosh. Fathi Vajargah<sup>2\*</sup>, Esmail. Jafari<sup>3</sup>, Neamatollah. Mosapour<sup>4</sup>

<sup>1</sup> PhD student in Curriculum Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Professor of Curriculum Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Higher Education and Human Resource Manager, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

<sup>4</sup> Professor of Curriculum Planning, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran

\* Corresponding author email address: kouroshfathi2@gmail.com

### Article Info

#### Article type:

Original Research

#### How to cite this article:

Rahyab, H., Fathi Vajargah, K., Jafari, E., & Mosapour, N. (2024). Analyzing the evolution of higher education in Afghanistan. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 30(1), 19-34.



© 2024 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

### ABSTRACT

The analysis of higher education is considered as an important historical research and it has been discussed in most countries, but in Afghanistan, it seems that higher education has been less analyzed. Therefore, this research was conducted to analyze the evolution of higher education in Afghanistan. The study used a qualitative research method with a historical lens. The researcher tried to use documents related to historical periods, available resolutions, and in-depth semi-structured interviews with key experts in the field of higher education using a "targeted approach" based on the pattern of qualitative interviews and theoretical saturation, with 14 people and show the evolution of higher education with an analytical perspective. The results of the findings show the evolution of Afghanistan's higher education in five periods of pragmatism, Isolation and exclusivity, stagnation, and transformation. The fifth period, which is the ritualization of universities based on Islamic teachings, begins after 2021. Higher education has had different orientations since 1932-2021. The common feature of these orientations in most periods has been ideological orientations.

**Keywords:** Afghanistan, Higher education, Historical periods, Orientations.



تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۴۰۱

پذیرفته شده در تاریخ ۱۱ آبان ۱۴۰۲

منتشر شده در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

## فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی

دوره ۳۰، شماره ۱، صفحه ۱۹-۳۴



شاپای الکترونیکی: ۲۲۰۱-۲۷۱۷

## واکاوی سیر تحول آموزش عالی در افغانستان

همایون رهیاب<sup>۱</sup>، کورش فتیحی و اجارگاه<sup>۲</sup>، اسماعیل جعفری<sup>۳</sup>، نعمت‌الله موسی پور<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی مقطع دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. استاد برنامه ریزی درسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. استادیار آموزش عالی و مدیر منابع انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. استاد برنامه ریزی درسی گروه علوم تربیتی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: kouroshfathi2@gmail.com

## اطلاعات مقاله

## چکیده

## نوع مقاله

پژوهشی اصیل

## نحوه استناد به این مقاله:

رهیاب، همایون، فتیحی و اجارگاه، کورش، جعفری، اسماعیل، و موسی پور، نعمت‌الله. (۱۴۰۳). واکاوی سیر تحول آموزش عالی در افغانستان. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۳۰(۱)، ۱۹-۳۴.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

واکاوی آموزش عالی از پژوهش‌های مهم تاریخی محسوب می‌شود و در بیشتر کشورها به آن پرداخته شده است، اما در افغانستان به نظر می‌رسد آموزش عالی کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. از این رو، این پژوهش باهدف واکاوی سیر تحول آموزش عالی در افغانستان انجام شده است. روش مورد استفاده کیفی از نوع تاریخی است. پژوهشگر تلاش نموده با بهره‌گیری از اسناد مرتبط به دوره‌های تاریخی، مصوبه‌های در دسترس و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با خبرگان کلیدی حوزه آموزش عالی با استفاده از "رویکرد هدفمند" بر اساس الگوی مصاحبه‌های کیفی و اشباع نظری، با ۱۴ نفر، سیر تحول آموزش عالی را با دیدگاه تحلیلی نشان دهد. نتایج یافته‌ها سیر تحول آموزش عالی افغانستان را در پنج دوره‌ای عمل‌گرایی، انزوا و انحصار، رکود و تحول نشان می‌دهد. دوره پنجم که آیینی شدن دانشگاه‌ها بر اساس معارف اسلامی است، بعد از سال ۱۴۰۰ آغاز می‌گردد. آموزش عالی از سال ۱۳۱۱-۱۴۰۰، جهت‌گیری‌های متفاوتی داشته است. ویژگی مشترک این جهت‌گیری‌ها در اغلب دوره‌ها، جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک بوده است.

کلیدواژگان: آموزش عالی، افغانستان، جهت‌گیری‌ها، دوره‌های تاریخی.



## مقدمه

آموزش عالی به‌عنوان بالاترین و آخرین مرحله نظام آموزشی یا به‌عبارت‌دیگر رأس هرم آموزش در هر کشوری محسوب می‌شود (Alfonso, 2018). آموزش عالی، نهادی مدرن و مکمل آموزش عمومی است و کارکردهای اصلی آن پژوهش و آموزش هست که توسط دانشگاه انجام می‌شود (Almasi Fard et al., 2022). در دهه‌های اخیر، نظام آموزش عالی به علت مواجهه با رشد فزاینده علم و فناوری، تغییرات وسیع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تأمین نیازهای جامعه، با موضوعات متنوعی روبرو بوده است. از این‌رو، وظایف اصلی آموزش عالی پرورش نیروی انسانی متخصص، تولید دانش، تأمین نیازهای جامعه و ارائه راهکارها برای حل چالش‌های جوامع بشری است (Sharifzadeh, 2011). در این زمینه برنامه‌های درسی به عنوان جزء اساسی آموزش عالی محسوب شده و در حقیقت مؤسسات آموزش عالی وادار به پرداختن به برنامه‌های درسی شده اند تا بقاء پیدا کنند (Fathi Vajargah, 2022). در این ارتباط دو دیدگاه مطرح است؛ در دیدگاه نخست آموزش عالی ثبات خود را حفظ کند و به تدریج با سبک و سنگین کردن موارد، در جستجوی روشی برای انطباق با چالش‌ها و تحولات محیطی برآیند. دیدگاه دوم که از مقبولیت بیشتری برخوردار است، تأکید می‌کند که آموزش عالی باید به شکل مؤثر و فعالانه در تغییرات مشارکت کند و به مسئولیت خود در برابر جامعه پاسخ گوید (Kamali et al., 2022). از این‌رو، در طی دوره‌های تاریخی، تصمیم‌گیری‌های مختلفی در حوزه آموزش عالی صورت گرفته است، اما بهره‌مند نبودن دستاوردهای نظری و تاریخی، دامنه تأثیر این تصمیم‌گیری‌ها را محدودتر از آنچه متصور بود کرده است (Norouzzadeh & Fathi Vajargah, 2008). یکی از محدودیت‌ها بحث محجوریت تاریخ است (Vajari et al., 2011). متخصصین این حوزه باید به پویایی و آگاهی تاریخی خود بیفزایند و از میراث فکری و پژوهشی استفاده مؤثر نمایند (Norouzzadeh & Fathi Vajargah, 2008). در افغانستان نه تنها به تاریخ تحول آموزش عالی پرداخته نشده است، بلکه آموزش عالی به‌عنوان دوره آموزش تکمیلی، به اندازه‌ای که دوره‌های آموزش عمومی توجه متخصصان و پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است، مورد نظریه‌پردازی و پژوهش علمی قرار نگرفته است. این وضعیت با یک نظر اجمالی به منابع علمی و پژوهشی موجود در قلمرو آموزش عالی و مصاحبه با مطلعین کلیدی، به روشنی قابل اثبات است. این در شرایطی است که نظام آموزش عالی افغانستان بدون اتکا به پشتوانه علمی لازم البته برحسب وظایف اصلی و اجتناب‌ناپذیر خویش، به سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف تحصیلی از جمله برنامه‌های علمی مشغول بوده است (National Commission of Higher Education Curriculum, 2021).

از این‌رو سیر تحول نظام آموزش عالی به‌طور علمی مورد پژوهش و کنکاش قرار نگرفته و یا اینکه پژوهش‌گر به آن دسترسی نداشته است، این در حالی که است که در دیگر کشورها تاریخ آموزش عالی، بخشی از پژوهش در تحصیلات تکمیلی است. باین‌حال، مسئله پژوهش با این سؤال مطرح می‌گردد که سیر تحول آموزش عالی در افغانستان چگونه بوده و نظام‌های سیاسی در تحول آن چه نقشی داشته است؟ بر این اساس با توجه به مسئله پژوهش، پژوهشگر قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد و به دنبال شناسایی مباحث تاریخی چون سیر تحولات، ویژگی‌ها، جهت‌گیری‌ها، و رخدادهای اثرگذار بر آموزش عالی افغانستان باشد.

## پیشینه

برای آموزش عالی نمی‌توان تعریف روشن و جامع ارائه نمود زیرا در جوامع مختلف دیدگاه‌ها نسبت به آموزش عالی متفاوت است. بنابراین می‌توان گفت که آموزش عالی عبارت است از آموزش فراتر از سطح مدرسه، که در دانشگاه‌ها، کالج‌ها و سایر مؤسسات مرتبط صورت می‌گیرد (Hosseini Largani et al., 2019). آموزش عالی بالاترین و آخرین مرحله نظام آموزشی یا به‌عبارت‌دیگر رأس هرم آموزش در هر جامعه و کشور است. آموزش عالی یکی از منابع اصلی تولید دانش، وسیله انتقال تجارب فرهنگی و علمی انسان‌ها، پرورش‌کننده و تقدیم‌کننده رهبران





فکری، سیاسی و مدیران و معلمان فردا به جامعه و مکان‌های مناسب برای مباحثه و مذاکره در جهت حل مسائل علمی، اجتماعی و ایجاد اصلاحات و ابزارهای سودمند برای پرورش خلاقیت و ارائه نوآوری‌ها و تبادل اطلاعات و همکاری‌های بین‌المللی در رابطه با تحقیقات و توسعه فناوریانه است. آموزش عالی در جهان سوم نهاد بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد؛ نه تنها به لحاظ اینکه تربیت نخبگان را بر عهده دارد و مبنایی را برای جامعه‌ی برخوردار از فناوری مهیا می‌کند، بلکه از این نظر که مهم‌ترین نهاد فکری است و تأثیر بسیار گسترده‌ای بر فرهنگ، امور سیاسی و اعتقادی دارد. دانشگاه‌ها به آفرینش دانش و بخصوص ترویج آن در جوامعی که "نخبگان علمی" اندک می‌باشند، کمک می‌کنند (Norouzzadeh & Fathi Vajargah, 2008).

در سال‌های اخیر، رویکرد مستقل آموزش عالی با ظهور فناوری‌های نوین و با ارائه نظریه‌های یادگیری جدید دستخوش تغییر و تحولات بنیادین شده است. این شرایط را می‌توان در بسیاری از نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه مشاهده کرد (Rashidi, 2023) و معیار چگونگی توانمندسازی و آموزش مهارت‌های موردنیاز دانشجویان برای به دست آوردن انگیزه‌های فردی، توانمندی‌ها و مسئولیت‌پذیری‌های تخصصی مدنظر فناوری‌های جدید قرار می‌گیرد. همچنین در این محور به چگونگی دستیابی دانشجویان به درک عمیق سامانه‌های هوشمند و کسب سواد دیجیتال به‌عنوان ضرورت آموزشی توجه می‌شود (Hoseini Moghadam, 2023). این موفقیت در شرایطی است که نظام فرهنگی یا دستگاه‌های ایدئولوژیک به هماهنگی آن‌ها با سایر نهادهای جامعه منوط باشد. یعنی وقتی تناقض ارزشی و عقیدتی در جامعه گسترده شود، سازوکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی از ایفای نقش مؤثر خود بازخواهند ایستاد (Javaheri & Helali Sotoudeh, 2022).

این در شرایطی است که نظام آموزش عالی افغانستان در دوره‌های مختلف متأثر از ایدئولوژی‌های حاکم بوده است. این مسئله کمتر توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده است و بیشتر روی موضوعاتی مانند ترکیب جنسیت در مؤسسات آموزش عالی، تضمین کیفیت و غیره پرداخته‌اند، اما پژوهشگران محدود به تاریخ آموزش عالی پرداخته‌اند که دچار یک سری خلأهای پژوهشی است. از یک طرف تقسیم‌بندی‌ها خیلی دقیق نیست چون حاصل پژوهش‌های جامع نبوده است. و از جانب دیگر نقش نظام‌های حاکم در جهت‌گیری‌های آموزش عالی مورد توجه قرار نگرفته است.

از این رو، پژوهش حاضر با این سؤالات آغاز می‌شد: مهم‌ترین دوره‌های تاریخی آموزش عالی افغانستان کدام اند؟ رخدادهای اثرگذار در هریک از دوره‌های تاریخی آموزش عالی افغانستان چی بوده است؟ جهت‌گیری‌های حاکم بر هریک از دوره‌های تحول آموزش عالی افغانستان کدام‌اند؟

## روش پژوهش

هدف پژوهش "واکاوی سیر تحول آموزش عالی افغانستان" بود و روش مورد استفاده کیفی و از نوع تاریخی هست. پژوهشگر تلاش نموده با بهره‌گیری از منابع و مستندات در دسترس و مصاحبه با مطلعین کلیدی، سیر تحولات آموزش عالی افغانستان را با دیدگاه تحلیلی نشان دهد. پژوهش تاریخی به بررسی موضوعات معین در مقطع زمانی مشخص می‌پردازد و پژوهشگر با ارزشیابی صحت و وسقم مطالب به تفسیر و تحلیل اطلاعات به دست آمده اقدام می‌کند. در همین راستا پژوهش تاریخی به دست‌اندرکاران آموزش عالی کمک می‌کند تا ضمن درک شرایط کنونی بتوانند برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند (Gall et al., 2015).

برای جمع‌آوری اطلاعات از کلیه مدارک، منابع، مصوبه‌ها و مستندات آموزش عالی، اطلاعات اعضای هیئت‌علمی و کارشناسان به‌عنوان مطلعین کلیدی استفاده شد. منابع اطلاعات برای شناسایی دوره‌های تاریخی آموزش عالی افغانستان عبارت از: ۱- بررسی اسناد و مصوباتی مرتبط به دوره‌های تاریخ آموزش عالی؛ ۲- بررسی طبقه‌بندی‌های صورت گرفته توسط پژوهشگران از دوره‌های تاریخی آموزش عالی؛ ۳-



نظرات مطلعین کلیدی آموزش عالی بودند. مطلعین کلیدی با مشورت تیم پژوهشی و با استفاده از "رویکرد هدفمند" انتخاب شدند. از روش مصاحبه عمیق بر اساس الگوی مصاحبه‌های کیفی و با رعایت موازین آن و استفاده از "معیار اشباع نظری" با "۱۴" نفر به‌عنوان نمونه در مدت‌زمانی بین ۳۵-۵۰ دقیقه مصاحبه شد. سپس داده‌های گردآوری‌شده از طریق تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل گردید. داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، مستلزم سه مرحله، الف) تلخیص داده‌ها، ب) عرضه داده‌ها، و ج) نتیجه‌گیری و تأیید است. در تلخیص داده‌های کیفی، به پالودن و زدودن اضافات موجود پرداخته شد. در این مرحله، از شیوه‌های معینی مثل خلاصه کردن عبارتها یا اختصار عبارتها مترادف، منظور داشتن آنها در دسته‌بندی‌های وسیع‌تر استفاده گردید. بخش دیگر که اسناد تاریخی بود، به‌طور دقیق و با اتکا به شواهد متعدد مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفت.

از این‌رو برای بررسی اعتبار داده‌های به‌دست‌آمده، از معیارهای اعتبار سنجی کیفی قابل‌قبول بودن و قابل‌اعتماد بودن استفاده گردید. برای بررسی معیار "قابل‌قبول بودن" داده‌ها، از روش‌های همسوسازی داده‌ها که با جمع‌آوری داده‌های کیفی از منابع متعدد مانند آگاهان امور، منابع و مستندات علمی و پژوهشی، پیشینه‌های نظری و پژوهشی، خود‌بازبینی پژوهشگر و کنترل اعضای شرکت‌کننده در پژوهش استفاده گردید. برای بررسی معیار "مورد اعتماد بودن" نیز کلیه فرایندها و مراحل در پژوهش طی شد و مورد تأیید قرار گرفته است.

## جدول ۱

اطلاعات مطلعین کلیدی شرکت‌کننده در مصاحبه

شماره	درجه تحصیل	رشته تحصیلی	شغل	رویکرد انتخاب	سن	تاریخ مصاحبه
۱	دکتری	مدیرت آموزش عالی	استاد و معاون علمی دانشگاه	هدفمند	۳۵-۴۰	۱۴۰۱/۲/۱۹
شماره ۲	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	استاد و ریس دانشگاه	هدفمند	۴۰-۴۵	۱۴۰۱/۲/۲۱
شماره ۳	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	استاد دانشگاه	هدفمند	۴۰-۴۵	۱۴۰۱/۲/۳۰
شماره ۴	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	استاد دانشگاه	هدفمند	۴۰-۴۵	۱۴۰۱/۳/۲
۵	دکتری	ادبیات و علوم بشری	استاد و ریس دانشگاه	هدفمند	۶۵-۷۰	۱۴۰۱/۳/۱۰
۶	کارشناسی ارشد	علوم تربیتی	ریس دانشگاه	هدفمند	۵۵-۶۰	۱۴۰۱/۳/۱۰
شماره ۷	دکتری	علوم تربیتی با گرایش E-learning	ریس انکشاف برنامه‌های علمی	هدفمند	۴۰-۴۵	۱۴۰۱/۳/۱۴
شماره ۸	دکتری	مهندسی	معین علمی وزارت تحصیلات عالی	هدفمند	۴۰-۵۰	۱۴۰۱/۳/۱۵
۹	دکتری	مدیریت آموزش عالی	استاد و ریس دانشگاه	هدفمند	۳۰-۳۵	۱۴۰۱/۳/۱۶
۱۰	دکتری	علوم تربیتی	مشاور وزارت تحصیلات عالی	هدفمند	۵۵-۶۵	۱۴۰۱/۳/۳۰





۱۴۰۱ / ۴ / ۲	۴۰-۴۵	هدفمند	عضو کمیسیون ملی نصاب تحصیلی	علوم تربیتی	کارشناسی ارشد	خبره حوزه برنامه درسی شماره ۱۱
۱۴۰۱ / ۷ / ۱۳	۳۰-۳۵	هدفمند	استاد دانشگاه	روانشناسی	کارشناسی ارشد	خبره حوزه آموزش عالی شماره ۱۲
۱۴۰۱ / ۷ / ۱۴	۴۰-۴۵	هدفمند	استاد دانشگاه	علوم تربیتی	کارشناسی ارشد	خبره حوزه آموزش عالی شماره ۱۳
۱۴۰۱ / ۷ / ۱۶	۳۵-۴۰	هدفمند	مدیر تضمین کیفیت و اعتبار دهی	مدیریت دولتی	دکتری	خبره حوزه برنامه درسی شماره ۱۴

## یافته‌ها

پس از جمع‌آوری و تحلیل محتوای اسناد، مصوبات و نظرات خبرگان کلیدی حوزه آموزش عالی، دوره‌های زیر به‌عنوان دوره‌های تاریخی در نظام آموزش عالی افغانستان شناسایی شده است:

- ۱- دوره عمل‌گرایی (۱۳۱۱-۱۳۵۷)؛
- ۲- دوره انزوا و انحصار (۱۳۵۷-۱۳۷۱)؛
- ۳- دوره رکود (۱۳۷۱-۱۳۸۰)؛
- ۴- دوره تحول (۱۳۸۱-۱۴۰۰)؛
- ۵- دوره آیینی شدن دانشگاه‌ها (۱۴۰۰- به بعد)

### دوره عمل‌گرایی آموزش عالی (۱۳۱۱-۱۳۵۷)

این دوره که ۴۶ سال ادامه یافت، می‌توان آن‌ها دوره عمل‌گرایی گفت، زیرا اصل آزادی اکادمیک در نظام آموزش عالی وجود داشت (نخبه شماره ۲، ۶، ۸). این دوره دو نوع نظام سیاسی متعارف را تجربه کرده است. از سال ۱۳۱۲-۱۳۵۳ نظام شاهی به رهبری محمد ظاهر حاکم بود و از ۱۳۵۳-۱۳۵۷ در اثر یک کودتای سفید درون خانوادگی توسط سردار محمد داوود پسرعموی محمد ظاهر شاه، نظام شاهی به جمهوری تغییر یافت. در این دوره اساس آموزش عالی افغانستان در سال ۱۳۱۱ خورشیدی با تأسیس دانشکده طب (پزشکی) گذاشته شد. دانشکده مذکور اولین نهاد آموزش عالی در افغانستان بود که با حمایت سخاوتمندانه محققان ترک تأسیس گردید؛ درحالی‌که دانشگاه کابل بعد از تأسیس چهار دانشکده رسماً در سال ۱۳۲۵ تأسیس گردید (Daulatabadi, 2003).

با اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه‌ای اقتصادی در سال ۱۳۳۵، آموزش عالی مورد توجه قرار گرفت. ساختمان‌های جدید برای دانشکده‌ها، کتابخانه و امکانات مسکونی برای هیئت‌علمی و کارمندان ساخته شد. مدیریت دانشگاه کابل در محل اصلی که با امکانات و سهولت‌های روز آماده‌شده بود در سال ۱۳۴۲ مستقر شد (Babury & Hayward, 2014). با تغییر در فضای سیاسی، برخی تغییرات در برنامه‌های علمی به وجود آمد و دانشگاه‌های جدید در مناطق شهری مانند ننگرهار تأسیس گردید (Babury & Hayward, 2014; Samady, 2001). در سال ۱۳۵۴ آموزش عالی حدود ۱۱۰۰ تن عضو هیئت‌علمی داشت که ۶۴ تن آن خانم‌ها بودند (Babury & Hayward, 2014). "باوجودی که آموزش عالی در این دوره محدود و توسعه آن تدریجی بود و فقط اشراف‌زاده‌ها دسترسی داشتند، اما با حضور استادان و دانشجویان خارجی، آموزش عالی اعتبار بین‌المللی داشت" (نخبه شماره، ۱).



تمرکز آموزش عالی در این دوره روی کیفیت بود و اساس آن با همکاری کشورهای خارجی گذاشته شده بود. چون دانشجویانی که از دانشگاه‌های خارج برگشته بودند، آموزش عالی را مدیریت می‌نمودند. به همین دلیل آموزش عالی افغانستان در این دوره متأثر از کشورهای خارجی بود (نخبه شماره، ۹ و ۱).

## جدول ۲

رخدادهای اثرگذار، جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های آموزش عالی در دوره عمل‌گرایی

دوره تاریخی	رخدادهای اثرگذار برآموزش عالی	جهت‌گیری‌های آموزش عالی	ویژگی‌های آموزش عالی
دوره رشد توسعه	تأسیس دانشکده پزشکی به‌عنوان اولین نهاد آموزش عالی در سال ۱۳۱۱ بود (Daulatabadi, 2003; Samady, 2001)	آموزش عالی در این دوره اعتبار بین‌المللی داشت (نخبه شمار ۱، ۸، ۹).	سنگ بنای آموزش عالی افغانستان در ۱۳۱۱ با ایجاد دانشکده پزشکی توسط متخصصین ترکی گذاشته شد.
	تأسیس دانشگاه کابل در چوکات وزارت معارف بود که به تاریخ ۲۵ حمل‌افروردین ۱۳۲۵، در سالن دانشکده حقوق و علوم سیاسی رسماً افتتاح گردید (Kamgar, 2008).	جهت‌دهی آموزش عالی به‌سوی تربیت نیروی انسانی متخصص برای تأمین نیاز جامعه و نهادهای دولتی بود (نخبه شماره ۹).	از سال ۱۳۲۵-۱۳۳۴ فرانسوی‌ها با آموزش عالی همکاری داشتند (نخبه شماره ۹).
	در سال ۱۳۵۶، دولت افغانستان وزارت تحصیلات عالی (MHE) را به‌عنوان یک نهاد حاکم برای تنظیم و نظارت آموزش عالی و مؤسسات فنی-حرف وی دوساله (TVET) تأسیس کرد (Ministry of Higher Education of the Islamic Republic of Afghanistan, 2016).	آموزش عالی محتوا محور بود (نخبه شماره ۳، ۸).	متخصصین داخلی تهیه می‌شد (نخبه شماره ۱، ۳، ۶، ۸)
		جهت‌گیری‌های آموزش عالی در این دوره متأثر از دانشگاه‌های خارجی بود (نخبه شمار ۱، ۹)	دانشگاه کابل به‌عنوان دانشگاه مادر، محل تصمیم‌گیری بود و سایر دانشگاه‌ها برنامه‌های درسی خویش را از آن تقلید و کاپی برداری می‌کردند. (نخبه شماره، ۱، ۳ و ۹).
		برنامه‌ریزی آموزش عالی بر اصل آزادی آکادمیک انجام می‌شد (نخبه شماره ۶)	

## دوره انزوا و انحصار آموزش عالی (۱۳۵۷-۱۳۷۱)

در این دوره آموزش عالی پس از اشغال اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۳۵۸، از لحاظ کمی رشد چشمگیری داشت، اما کیفیت آن بسیار آسیب‌دیده بود (Babury & Hayward, 2014). "رابطه آموزش عالی در انحصار کشورهای اعمار شوروی سابق بود و با دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای اروپایی قطع گردید" (نخبه شماره، ۱). "اهداف آموزش عالی را در این دوره عمدتاً اهداف سیاسی و ایدئولوژی تشکیل می‌داد که محور اصلی آن بر اساس اساسنامه‌ی تحصیلات عالی و مسلکی وفاداری به اصول حزب دموکراتیک خلق و تسلط بر تئوری انقلابی و روحیه‌ی انترناسیونالیستی<sup>۱</sup> استوار بود" (Andishmand, 2010). اما بعد از خروج قوای اتحاد جماهیر شوروی سابق به تاریخ ۲۶ بهمن/دلو ۱۳۶۷، حکومت موردحمایت آن به رهبری دکتر نجیب و بر اساس اعلان سیاست مصالحه‌ی ملی، شورای وزیران مصوبه را در مورد شمولت مجدد دانشجویانی که از آموزش بازمانده بودند، به تصویب رساند. مصوبه مذکور که قبلاً در ۱۳/ ۹/ ۱۹۸۶/۱۳۶۵ بنام مقرر به تصویب رسیده بود، زمینه شمولیت مجدد دانشجویان را فراهم می‌کرد. ماده شانزدهم مقرر از فراهم آوری تسهیلات برای جبران عقب‌ماندگی درسی دانشجویان تذکر رفته بود. درماده مذکور آمده بود که "عقب‌ماندگی‌های درسی دانشجویان توسط پرو گرام خاص آموزشی و تعلیمی مربوط رفع گردد" (Andishmand, 2010). اهداف، مقاصد سیاسی و ایدئولوژی از قوانین حذف گردید. دولت گام‌های عملی را برای دگرگونی آموزش عالی

<sup>۱</sup> Ministry of Higher Education

<sup>۲</sup> Technical and Vocational Education Training

<sup>۳</sup> - Internationalism





برداشت (Andishmand, 2010). در نتیجه دانشگاه بلخ و دانشگاه هرات تأسیس گردید (Kamgar, 2008) و برخی از سازمان‌های بین‌المللی به همکاری با آموزش عالی افغانستان آغاز کردند (Andishmand, 2010).

در این دوره برنامه‌های درسی آموزش عالی متأثر از ایدئولوژی کمونیسم<sup>۱</sup> بود (نخبه شماره ۸، ۲، ۹۰). متون درسی تحت رهنمایی مشاوران روسی تهیه و بازنگری می‌گردید (Andishmand, 2010). در دانشگاه‌ها استادان روسی به کمک ترجمانان تاجیکی و افغانستانی درس‌های از قبیل، سوسیالیسم<sup>۲</sup> علمی، ماتریالیسم تاریخی<sup>۳</sup>، ماتریالیسم دیالکتیکی<sup>۴</sup>، تاریخ نهضت‌های انقلابی، و تاریخ معاصر افغانستان را تدریس می‌کردند (Niazi, 1989). از این لحاظ، دو مشکل اساسی در این دوره در نظام آموزش عالی وجود داشت. نخستین مشکل قطع ارتباط با جهان غرب بود. دومین مشکل تغییر در برنامه‌های درسی بود که مطابق نظام سوسیالیسم<sup>۵</sup> تهیه می‌گردید (نخبه شماره ۵). این باعث ترک تعداد زیادی استادان از کشور شد و دولت با همه تلاش نتوانست کیفیت آموزش عالی را حفظ کند (نخبه شماره ۵، ۶).

### جدول ۳

رخدادهای اثرگذار، جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های آموزش عالی در دوره انزوا و انحصار

دوره تاریخی	رخدادهای اثرگذار بر آموزش عالی	جهت‌گیری‌های آموزش عالی	ویژگی‌های آموزش عالی
دوره انزوا و انحصار	تا سال ۱۳۶۵، در حدود ۲۶۷ تن استاد از افغانستان هجرت نمود، ۳۶ تن استاد محکوم به اعدام شد، و ۶ تن استاد دیگر زندانی گردید. تشکیلات دانشگاه به سبک روسی تغییر یافت. آزادی آکادمیک از میان برداشته شد. از دانشگاه به‌عنوان یک نهاد حزبی استفاده صورت می‌گرفت. قانون انتخابات دانشجویان از میان برداشته شد. روابط علمی و فرهنگی با همه کشورها به جزء روسیه و اقمار آن قطع گردید. در بعضی نقاط کشور دانشگاه‌های بی‌هدف تأسیس شد. بدون نیازسنجی و برنامه‌ریزی دقیق علمی، برنامه‌های آموزشی ارشد و دکتری در دستور کار قرار گرفت (Kangar, 2003). (pp. ۱۲۶-۱۲۷)	جهت‌گیری‌های ایدئولوژی (کمونیسم <sup>۱</sup> ) حاکم بر آموزش عالی (و نخبه شماره ۲ و ۹). اجباری شدن آموزش زبان روسی در برنامه‌های درسی به‌عوض زبان انگلیسی و فرانسوی. جهت‌گیری‌ها در راستای تمرکزگرایی آموزش عالی با الهام از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی (Andishmand, 2010; Kangar, 2003). عدم توجه به نیازمندی‌های واقعی جامعه در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی (Farhang, 2004). عدم توجه به پژوهش‌های علمی (Andishmand, 2010; Kangar, 2003).	نظام آموزش عالی در این دوره متمرکز بود (نخبه شماره ۸، ۹، ۱۴، ۲۰۸). تغییر اصول و نظام آموزش عالی برای همسویی با آموزش عالی شوروی. اعمال فشار به دانشجویان و استادان غیر حزبی. اخراج دسته‌جمعی استادان کشورهای اسلامی و غربی از نظام آموزش عالی (Farhang, 2004). ترک دسته‌جمعی استادان غیر حزبی از نظام آموزش عالی. کاهش کمک‌های بین‌المللی به آموزش عالی. نبود ظرفیت کافی و مناسب در مؤسسات آموزش عالی. کمبود هیئت‌علمی در مؤسسات آموزش عالی (Andishmand, 2010).

<sup>۱</sup> - communism

<sup>۲</sup> - Scientific socialism

<sup>۳</sup> - Historical materialism

<sup>۴</sup> - Dialectical materialism

<sup>۵</sup> - Socialism

<sup>۶</sup> - Communism





## دوره رکود آموزش عالی (۱۳۷۱-۱۳۸۰)

دوره سوم که ۱۰ سال را در برمی‌گیرد، پس از دوره‌های عمل‌گرایی و انزوا و انحصار، دوره رکود برای آموزش عالی بود (نخبه شماره ۱، ۸، ۵، ۲، ۹). زیرا این کشور دو دوره مختلف سیاسی را تجربه کرد (Couch, 2019). این دوره پر از لحظاتی ترس، عدم اطمینان، توقف و رکود برای آموزش عالی بود. به دلیل جنگ‌های داخلی در این دوره، آموزش عالی یک دوره آشفتگی داشت (Babury & Hayward, 2014). و مشکلات زیادی دامن‌گیر آموزش عالی گردید. سیر رشد آن متوقف شد (نخبه شماره ۹)، توجه نظام سیاسی به آموزش عالی کاهش پیدا کرد، تعداد دانشجویان در دانشگاه‌ها کاهش یافت، شماری استادان کشور را ترک کردند (نخبه شماره ۲، ۱۰ و ۹). آموزش عالی در سطح کارشناسی نزول نمود (نخبه شماره ۲ و ۹).

### جدول ۴

رخداد‌های اثرگذار، جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های آموزش عالی در دوره رکود

دوره تاریخی	رخداد‌های اثرگذار بر آموزش عالی	جهت‌گیری‌های آموزش عالی	ویژگی‌های آموزش عالی
دوره رکود	اصلاحات نهادی در سال ۱۳۷۴، کلیه پدagoژی‌ها از وزارت آموزش و پرورش به وزارت تحصیلات عالی محقق شد و بخش آموزش‌های فنی-حرفوی از وزارت تحصیلات عالی و مسلکی به وزارت معارف مربوط گردید (Andi shmand, ۲۰۱۰; Ministry of Higher Education, ۲۰۲۰)	جهت‌گیری‌های ایدئولوژی (اسلامی) حاکم بر آموزش عالی (Andi shmand, ۲۰۱۰).	در این دوره نظام آموزش عالی هم از لحاظ کیفی و هم از نظر کمی آسیب دید. جنگ‌های داخلی باعث رکود آموزش عالی گردید. در مناطق زیر حاکمیت دولت، ایدئولوژی اسلامی جایگزین ایدئولوژی کمونیسم در برنامه‌های درسی شد (نخبه شماره، ۵).
	رخداد اثرگذار دیگر جنگ‌های داخلی و تنظیمی در این دوره بود (نخبه شماره، ۵ و ۶).	در این دوره آموزش عالی از هیچ نظام در این حوزه پیروی نمی‌کرد (نخبه شماره ۸). تلاش‌ها در جهت نظام آموزش عالی متمرکز بود (نخبه شماره ۸، ۹).	آموزش عالی در این دوره نظام‌مند نبود. (نخبه شماره ۸).
		هیچ نوع جهت‌گیری در امر پژوهش علمی وجود نداشت (نخبه شماره، ۵)	کمبود منابع و نبود متخصصین یکی از ویژگی‌های دیگر این دوره بود (Babury & Hayward, ۲۰۱۴).

## دوره تحول آموزش عالی (۱۳۸۱-۱۴۰۰)

دوره چهارم را می‌توان با عنوان دوره تحول برای آموزش عالی افغانستان تعریف کرد. این دوره از سال ۱۳۸۱ آغاز شد و تا ۱۴۰۰ ادامه نمود (نخبه شماره ۱، ۲، ۵، ۶، ۸ و ۹). و با تأسیس ۱۵۰ مؤسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی رشد انفجاری را تجربه نمود. در این دوره آموزش عالی گسترش نمود و نزدیک به هفت برابر دانشجو از ۵۸۷۶۹ به ۳۶۵۹۸۲ افزایش یافت. از آنجاکه گسترش به سرعت اتفاق افتاد، مدیریت آموزش عالی و حفظ کیفیت ساختار موجود، وزارت تحصیلات عالی را تحت فشار قرارداد. تحولاتی که در خصوص حضور دانشجو و گسترش سیستم به وجود آمد، نشانگر تحول از نظر دسترسی به آموزش عالی بود (Ibrahimi, 2014). ظرفیت محدودش شکسته شد و رسالت خود را از سر گرفت. اما در این میان بعد از یک خصومت طولانی مدت و کمبود منابع، بخش آموزش عالی تحت فشار قابل توجهی از طرف ذینفعان ملی و بین‌المللی<sup>۱</sup> جهت افزایش دسترسی به آموزش عالی قرار گرفت (Babury & Hayward, 2014; Romanowski et al., 2007).

<sup>۱</sup> - ادارات استخدام کننده داخلی و مؤسسات تمویل کننده خارجی





جدول ۵

آمار استادان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتي با تفكيك جنسيت و مقطع تحصيلی در سال ۱۳۹۸

شماره	دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی		دکتري		ارشد		کارشناسی		مجموع
	آقا	خانم	آقا	خانم	آقا	خانم	آقا	خانم	
۱	۸۹	۱۹	۳۷۲	۸۰	۲۲۳	۸۷	۶۸۴	۱۸۶	۸۷۰
۲	۸	۱	۱۰۱	۲۷	۱۲۰	۵۲	۲۲۹	۸۰	۳۰۹
۳	۱۲	۱	۱۲۸	۲۸	۳۰	۸	۱۷۰	۳۷	۲۰۷
۴	۹	۳	۱۵۸	۶۵	۴۶	۲۰	۲۱۳	۸۸	۳۰۱
۵	۸	۰	۱۴۱	۲۷	۱۸۴	۷۵	۳۳۳	۱۰۲	۴۳۵
۶	۳۰	۲	۱۷۹	۴۸	۱۱۶	۶۴	۳۲۵	۱۱۴	۴۳۹
۷	۳۲	۰	۲۶۰	۷	۱۵۸	۱۳	۴۵۰	۲۰	۴۷۰
۸	۴	۰	۱۴۹	۰	۱۱۴	۳	۲۶۷	۳	۲۷۰
۹	۰	۰	۱۳	۰	۲۳	۰	۳۶	۰	۳۶
۱۰	۲	۰	۶۳	۷	۷۲	۹	۱۳۷	۱۶	۱۵۳
۱۱	۲	۰	۶۹	۷	۷۱	۷	۱۴۲	۱۴	۱۵۶
۱۲	۱۱	۰	۷۳	۵	۷۳	۴	۱۵۷	۹	۱۶۶
۱۳	۵	۰	۱۱۹	۰	۱۲۸	۱	۲۵۲	۱	۲۵۳
۱۴	۱۳	۰	۷۴	۵	۸۶	۸	۱۷۳	۱۳	۱۸۶
۱۵	۵	۰	۹۷	۱	۸۲	۲	۱۸۴	۳	۱۸۷
۱۶	۱	۱	۶۱	۱۲	۷۱	۴۱	۱۳۳	۵۴	۱۸۷
۱۷	۲	۰	۳۵	۷	۸۹	۲۷	۱۲۶	۳۴	۱۶۰
۱۸	۰	۰	۳۶	۶	۷۹	۷	۱۱۵	۱۳	۱۲۸
۱۹	۱	۰	۶۰	۱۱	۳۲	۳	۹۳	۱۴	۱۰۷
۲۰	۰	۰	۷	۰	۱۱	۰	۱۸	۰	۱۸
۲۱	۳	۰	۵۵	۵	۸۲	۶	۱۴۰	۱۱	۱۵۱
۲۲	۰	۰	۳۶	۰	۳۲	۱	۶۸	۱	۶۹
۲۳	۴	۰	۷۴	۴	۶۷	۴	۱۴۵	۸	۱۵۳
۲۴	۲	۰	۳۷	۰	۴۵	۰	۸۴	۰	۸۴
۲۵	۰	۰	۱۵	۰	۳۳	۳	۴۸	۳	۵۱
۲۶	۰	۰	۳۳	۲	۳۴	۴	۶۷	۶	۷۳
۲۷	۰	۰	۴۰	۰	۴۹	۰	۸۹	۰	۸۹
۲۸	۰	۰	۲	۰	۲۶	۰	۲۸	۰	۲۸
۲۹	۰	۰	۱۴	۰	۳۴	۰	۴۸	۰	۴۸
۳۰	۰	۰	۹	۲	۲۳	۲	۳۲	۴	۳۶
۳۱	۰	۰	۱۲	۰	۲۶	۱	۳۸	۱	۳۹
۳۲	۰	۰	۱۱	۲	۴۰	۵	۵۱	۷	۵۸
۳۳	۰	۰	۷	۰	۳۲	۰	۳۹	۰	۳۹
۳۴	۰	۰	۳	۰	۱۴	۰	۱۷	۰	۱۷
۳۵	۰	۰	۳	۰	۸	۰	۱۱	۰	۱۱
۳۶	۰	۰	۱	۰	۲۰	۲	۲۱	۲	۲۳
۳۷	۰	۰	۰	۰	۱۸	۰	۱۸	۰	۱۸
۳۸	۰	۰	۰	۰	۱۵	۰	۱۵	۰	۱۵
مجموع	۲۴۳	۲۷	۲۵۴۷	۳۵۸	۲۴۰۶	۴۵۹	۵۱۹۶	۸۴۴	۶۰۴۰



## جدول ۶

رخدادهای اثرگذار، جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های آموزش عالی در دوره تحول

دوره تاریخی	رخدادهای اثرگذار بر آموزش عالی	جهت‌گیری‌های آموزش عالی	ویژگی‌های آموزش عالی
دوره تحول	ایجاد مرکز تحصیلات فوق‌لیسانس دانشگاه تعلیم و تربیه ایجاد برنامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه ایجاد برنامه دکترا در دانشگاه‌های کابل و ننگرهار. برنامه‌های درسی آموزش عالی بازنگری و اصلاح گردید. شماری استادان با استفاده از بورسیه‌های تحصیلی به خارج فرستاده شدند (A look at the achievements of the Ministry of Higher Education in ۲۰۲۰). نهادهای علمی-پژوهشی و نظارتی ایجاد گردید. ایجاد بخش آموزش عالی خصوصی (National Strategic Plan for Higher Education ۲۰۱۶-۲۰۲۰).	جهت‌گیری به‌سوی معیاری سازی آموزش عالی با توجه به تحولات علم و فناوری (نخبه شماره ۷، ۸، ۱۱). جهت‌گیری‌ها به‌سوی دسترسی، کیفیت، ارتباط، برابری، یکپارچگی، شفافیت و خودمختاری نهادی (National Strategic Plan for Higher Education, ۲۰۱۶-۲۰۲۰). جهت‌دهی آموزش عالی به‌سوی کمیت (Samady, ۲۰۱۴ & Ibrahim, ۲۰۰۱). جهت‌گیری‌ها برای ایجاد و توسعه آموزش عالی خصوصی (Missawy & Rusman ۲۰۲۰). جهت‌گیری به‌سوی پرورش نیروی انسانی متخصص برای تأمین نیازمندی‌ها (Guidelines for revision and development of academic curriculum ۲۰۲۱). جهت‌گیری‌های آموزش عالی به‌سوی توأمیت (همکاری) با دانشگاه‌های منطقه و جهان (A look at the achievements of the Ministry of Higher Education in ۲۰۲۰).	پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با تحول سیاسی در افغانستان دروازه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بر روی دختران و پسران گشوده شد؛ و آموزش عالی حیات دوباره یافت. کمیاب استادان متخصص و دارای تحصیلات تکمیلی یکی از نخستین ویژگی‌های آموزش عالی افغانستان در این دوره شمرده می‌شد (Andi shnand, ۲۰۱۰). ویژگی دیگر، بازنگری و به‌روز شدن برنامه‌های درسی آموزش عالی بود که با اشتراک هیئت‌علمی و متخصصین رشته‌ای انجام می‌شد (A look at the achievements of the Ministry of Higher Education in ۲۰۲۰). اما نظام آموزش عالی در این دوره متمرکز بود (نخبه شماره ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۹).

## دوره آیینی شدن دانشگاه‌ها (۱۴۰۰-به بعد)

دوره پنجم دوره آیینی شدن دانشگاه‌ها بر اساس معارف اسلامی است. این نام‌گذاری بر اساس فهم و استنباط جمعی پژوهشگران این رساله و به استناد نظرات فاضلی (۱۴۰۱) انجام شده است. بر بنیاد آنچه در سوابق موجود است، این دوره تا هنوز مورد نظریه‌پردازی قرار نگرفته و در حال جریان هست.

## فرصت‌ها و چالش‌های آموزش عالی در این دوره‌ها

آموزش عالی مدرن در افغانستان با تأسیس دانشکده پزشکی در سال ۱۳۱۱ آغاز شد (Samady, 2001) و از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، توسعه نمود. اگرچه بعد از تهاجم شوروی در سال ۱۳۵۸، تغییرات عمده‌ای در آموزش عالی ظاهر شد، (Niroo & Glass, 2022). اما در سال ۱۳۵۹، در مقایسه با کشورهای همسایه رشد آموزش عالی کمتر بود. از یک‌طرف چالش‌های زیادی در توسعه آموزش عالی مدرن وجود داشت و از جانب دیگر ساختار آن محدود بود (Samady, 2001).

پس از سرنگونی رژیم مورد حمایت شوروی توسط مجاهدین، آموزش عالی وارد دوره آشفتگی گردید. در این دوره (۱۳۷۱-۱۳۸۰) توجه بیشتری به آموزش اسلامی به‌جای نظام آموزش عالی مدرن بود. در این دوره نظام‌های حاکم به دلیل جنگ‌های داخلی هیچ نوع راهکاری روی حقوق استادان و توسعه آموزش عالی نداشتند. اکثر کارکنان دانشگاهی و استادان کشور را ترک کردند. نظام آموزش عالی و زیرساخت‌ها به شدت آسیب دید (Niazi, 1989). اما با آغاز قرن بیستم، امیدواری برای احیای آموزش عالی ایجاد شد. در دوره جمهوری (۱۳۸۱-۱۴۰۰)، آموزش عالی با همکاری جامعه جهانی از لحاظ کمیت تحول نمود. (نخبه شماره ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۹). با تأسیس ۱۵۰ مؤسسه آموزش عالی دولتی و





خصوصی رشد انفجاری را تجربه کرد (Ibrahimi, 2014). از آنجایی که تقاضا برای آموزش عالی به مراتب بیشتر از عرضه و ظرفیت آموزش عالی دولتی بود، مؤسسات آموزش عالی خصوصی پس از سال ۱۳۸۵ تأسیس گردید و امید تازه برای آینده افغانستان تصور می‌شد و دسترسی به آموزش عالی آسان گردید (Baharustani, 2012). در واقع این یک دوره امید بزرگ بود، دوره‌ای بود که هر چیزی به نظر می‌رسید ممکن است، اما همه چیز به همان سرعتی که انتظار می‌رفت پیش رفت. برخی از حامیان بین‌المللی آموزش عالی، حمایت خویش را کاهش دادند. و این موفقیت‌ها با میراث پاداش دادن به گروه‌های قومی و افراد قدرتمند، به یک تهدید بزرگ در راه پیشرفت آموزش عالی تبدیل گردید. فساد و ارباب فزاینده جنگ هم بی‌تأثیر نبود (Babury & Hayward, 2014).

بحث دیگر در این دوره‌ها استقلال مؤسسات آموزش عالی است. به باور شاکر (۲۰۱۲)، مؤسسات آموزش عالی فاقد استقلال مطلق در زمینه‌های آزادی نهادی هستند. عدم خودمختاری مؤسسات آموزش عالی عمدتاً به دلیل محدودیت در چارچوب‌های قانونی و شیوه‌های نامناسب سیاست‌گذاری در وزارت تحصیلات عالی است. محدودیت‌های تحمیل‌شده توسط وزارت تحصیلات عالی افغانستان دارای دو پیامد است:

۱- از جستجوی کارایی بیشتر مؤسسات آموزش عالی جلوگیری می‌کند آن‌ها نمی‌توانند از پتانسیل موجود خود استفاده کنند.

۲- دانشگاه‌ها نمی‌توانند به تغییر و تقاضای خارجی پاسخ دهند.

از این رو مؤسسات آموزش عالی دارای استقلال اداری اندک هستند و امور اداری آن‌ها مشمول قوانین سفت‌وسخت و مقررات سخت‌گیرانه است که توسط وزارت تحصیلات عالی اعمال می‌شود. حتی دانشگاه‌ها در انتخاب دانشجویان و ظرفیت پذیرش خویش نقشی ندارند و از طرف اداره ملی امتحانات معرفی می‌شود. از نظر منابع مالی، مؤسسات آموزش عالی به دولت مرکزی وابسته هستند و این نوع بودجه مالی مؤثر واقع نشده است. چون مکانیسم تخصیص منابع مالی به مؤسسات، انگیزه‌های کارآمدی را نادیده می‌گیرد و عدم اطمینان در مورد آینده را افزایش می‌دهد. در عین حال، تصمیمات سیاسی در انتصاب کارکنان اجرایی تأثیر منفی بر حاکمیت و مدیریت کارکنان سطوح متوسط و پایین به بجا می‌گذارد (Shakir, 2012).

حضور کم‌رنگ زنان دانشجو، چالش دیگری در آموزش عالی افغانستان محسوب می‌شود. مشارکت پایین دختران دانش‌آموز در نظام آموزش عمومی، باعث کاهش تعداد متقاضیان واجد شرایط در آموزش عالی می‌شود. علاوه بر آن، فقدان وسایل حمل‌ونقل مناسب، امکانات بهداشتی، امکانات اقامتی، ازدواج‌های پیش از وقت و امکانات ناکافی مراقبت از کودکانشان عواملی است که سبب محروم شدن دختران از آموزش عالی می‌گردد. عوامل تأثیرگذار دیگر، نگرش خانواده و جامعه نسبت به آموزش زنان؛ موانع مالی؛ و به‌طور عمده، نگرانی‌های امنیتی و ایمنی شخصی هستند که برای دانشجویان زن بسیار واقعی به نظر می‌رسد. دانشجویان زن که برخلاف میل اقوام و خویشاوندان خود برای آموزش عالی تلاش می‌کنند، با خطر زیادی روبرو می‌شوند. این یک چالش برای سیاست‌گذاران آموزش عالی است که آیا آن‌ها واقعیت‌های فعلی را می‌پذیرند یا خیر؟ زمان پاسخ خواهد داد (Burrige et al., 2016). زاویه دیگر، چالش‌های آموزشی، پژوهشی و سازمانی برای هیئت‌علمی به‌ویژه استادان تازه‌کار است (Nazari et al., 2022). با وجود فرصت‌های که در طی دو دهه اخیر وجود داشت و جامعه جهانی با آموزش عالی همکاری مالی و علمی داشتند، متأسفانه نسبت بی‌کفایتی مدیران و فساد گسترده در نظام، از این فرصت‌ها استفاده مطلوب نشد و همه به هدر رفت.

## بحث و بررسی

تاریخ تحولات آموزش عالی افغانستان کمتر مورد پژوهش و کنکاش قرار گرفته است (National Commission of Higher Education Curriculum, 2021). حجم فعالیت‌های علمی در آموزش عالی در مقایسه با آنچه در حوزه آموزش و پرورش عمومی اتفاق افتاده است، شاهد



روشنی بر این مدعاست. این در شرایطی است که نظام آموزش عالی افغانستان بدون اتکا به پشتوانه علمی لازم البته برحسب تکالیف و وظایف اصلی و اجتناب‌ناپذیر خویش، به سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف تحصیلی مشغول بوده است.

از این رو در بحث تاریخ آموزش عالی؛ نظام آموزش عالی افغانستان چهار دوره تاریخی را تجربه کرده و دوره پنجم در حال جریان است. در این دوره‌ها آموزش عالی جهت‌گیری‌های متفاوتی داشته است. نکته مشترک جهت‌گیری‌های آموزش عالی که اغلب در تمام دوره‌ها مطرح بوده، جهت‌گیری ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی حاکم است. به قول (نخبة شماره ۹): "در دوره عمل‌گرایی (۱۳۱۱-۱۳۵۷)، جهت‌گیری‌ها به سوی تربیت نیروی متخصص برای تأمین نیازهای جامعه و نظام بوروکراتیک و دیوان‌سالار بوده است". و اساس آن متکی به همکاری کشورهای خارجی بود و از تجارب و محتوای درسی آن‌ها استفاده می‌شده است (نخبة شماره ۱، ۳ و ۹). در دوره انزوا و انحصار (۱۳۵۷-۱۳۷۱)، به‌ویژه در زمان اشغال شوروی، پرورش نیروی متعهد برای جامعه دموکراتیک و وفادار به نظام کمونیسم مدنظر بود و دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت طراحی و اجرایی می‌شد. به عقیده نخبة شماره ۲، ۸ و ۹: "در این دوره آموزش عالی متأثر از ایدئولوژی کمونیسم بود". دوره سوم که ۱۰ سال را در برمی‌گیرد، دوره رکود برای آموزش عالی بود (نخبة شماره ۱، ۸، ۵، ۲، ۹) در دوره رکود (۱۳۷۱-۱۳۸۰)، جهت‌گیری‌های آموزش عالی به سمت ایدئولوژی اسلامی در مناطق زیر حاکمیت حکومت در دستور کار بوده است. به باور نخبة شماره ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۹ و ۱۴: دوره چهارم یک دوره تحول در تاریخ آموزش عالی بود. در دوره تحول (۱۳۸۱-۱۴۰۰)، جهت‌گیری‌های آموزش عالی به سوی تربیت نیروی متخصص و ایجاد رشته‌های تحصیلی مطابق نیاز ملی و بین‌المللی متمرکز بود.

در بحث ویژگی‌ها، آموزش عالی افغانستان در دوره عمل‌گرایی توسط کادرهای داخلی و متخصصین خارجی با رعایت آزادی آکادمیک مدیریت می‌شد و اعتبار بین‌المللی داشت (نخبة شماره ۱، ۳، ۶، ۸). در دوره انزوا و انحصار سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی توسط تعداد محدود اعضای هیئت علمی وفادار به نظام و بدون مشارکت دانشگاهیان زیر چتر مشاورین روسی انجام می‌شد که سبب کاهش همکاری کشورهای غربی با آموزش عالی گردید (نخبة شماره ۱، ۲ و ۹). در دوره رکود، آموزش عالی نظام‌مند نبود و هیچ پیشرفتی نداشت. شماری استادان کشور را ترک کردند (نخبة شماره ۲، ۱ و ۹). در دوره چهارم که با عنوان دوره جمهوریت یاد می‌شود، آموزش عالی تحول نمود. در این دوره آموزش عالی از حمایت جامعه جهانی بهره‌مند بود و با استفاده از ظرفیت‌های موجود داخلی و خارجی، توسعه نمود. رشته‌های جدید تحصیلی ایجاد گردید. برنامه‌های درسی با معیارهای جهانی در معرض بازنگری قرار گرفت (نخبة شماره ۲). این بخش از نتایج با "ره‌نمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۳۹۹" و "نگاهی به دستاوردهای وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۹"، همخوانی دارد.

با این حال باید اذعان داشت که آموزش عالی در افغانستان از بدو تأسیس تا حال با رویکرد متمرکز فعالیت داشته است. اگرچه آینده قابل پیش‌بینی نیست، ولی از قرینه‌ها و شواهد معلوم می‌شود که در آینده نیز نظام آموزش عالی متمرکزتر و محدودتر خواهد بود.

از این رو، آموزش عالی زمانی از منظر کمی و کیفی تحول می‌یابد که از سیاست دور نگه‌داشته شود، خلای تخصصی در مؤسسات آموزش عالی رفع شود و توجه به آموزش عالی بیشتر گردد. در ضمن، متخصصین و نخبگان مورد بی‌مهری قرار نگیرد و به معیشت اساتید توجه کافی صورت بگیرد. تحت این شرایط احتمال دارد آموزش عالی افغانستان بتواند با کشورهای منطقه و جهان رقابت نماید و در تولید علم در سطح جهان سهم داشته باشد.

## نتیجه‌گیری

نتیجه یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که آموزش عالی افغانستان چهار دوره‌ی عمل‌گرایی، انزوا و انحصار، رکود و تحول را تجربه کرده است و در آغاز دوره پنجم قرار دارد. رخدادهای مهم آموزش عالی در این دوره‌ها در زیر تبیین شده است. رخدادهای دوره عمل‌گرایی (۱۳۱۱-۱۳۸۰)



۱۳۵۷) عبارت‌اند از: ایجاد دانشکده پزشکی در سال ۱۳۱۱ به‌عنوان اولین نهاد آموزش عالی؛ تأسیس دانشگاه کابل در سال ۱۳۲۵؛ ایجاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی در سال ۱۳۴۱؛ و تأسیس وزارت تحصیلات عالی (MoHE<sup>۱</sup>) در سال ۱۳۵۶ به‌عنوان اولین نهاد حاکم برای تنظیم و نظارت بر برنامه‌های آموزش عالی (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۲۰).

رخداد‌های اثرگذار بر آموزش عالی در دوره انزوا و انحصار (۱۳۵۷-۱۳۷۱) عبارت از: نفوذ ایدئولوژی کمونیسم بر نظام آموزش عالی؛ قطع همکاری‌های کشورهای غربی با نظام آموزش عالی و قرار گرفتن آن در انحصار اتحاد جماهیر شوروی سابق بود.

رخداد‌های اثرگذار بر آموزش عالی در دوره رکود (۱۳۷۱-۱۳۸۰) را می‌توان از: پیوستن مؤسسات تربیت‌معلم چهارساله از وزارت معارف به وزارت تحصیلات عالی، و مؤسسات آموزشی فنی-حرفوی دوساله از وزارت تحصیلات عالی به وزارت معارف؛ جنگ‌های داخلی و نفوذ ایدئولوژی اسلامی به‌جای ایدئولوژی کمونیسم در مؤسسات آموزش عالی یاد کرد.

رخداد‌های اثرگذار بر حوزه آموزش عالی در دوره تحول (۱۳۸۱-۱۴۰۰) را می‌توان از: ایجاد مرکز تحصیلات فوق‌لیسانس - دانشگاه تعلیم و تربیه کابل در سال ۱۳۸۷؛ برنامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه کابل در سال ۱۳۹۲؛ ایجاد ریاست تضمین کیفیت و اعتبار دهی در سال ۱۳۸۸؛ ایجاد ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۸، و ایجاد ریاست انکشاف برنامه‌های علمی نام برد. این مطالعه نشان می‌دهد که آموزش عالی از سال ۱۳۱۱-۱۴۰۰، جهت‌گیری‌های متفاوتی داشته است. تجربه‌ای که از دوره‌های آموزش عالی قبل و بعد از جنگ‌های داخلی حاصل می‌شود، گذار از نظام آموزش عالی نسبتاً ملی و مستقل در دوره عمل‌گرایی به‌نظام ایدئولوژیک و متمرکز در دوره انزوا و انحصار و سرانجام بعد از یک دوره رکود ده‌ساله به سمت نظرخواهی و سهیم ساختن دانشگاه‌ها و هیئت‌علمی در امر سیاست‌گذاری آموزش عالی در دوره تحول است.

### پیشنهادها

با توجه به پژوهش انجام‌شده، موارد زیر به‌صورت خلاصه برای مدیران آموزش عالی پیشنهاد می‌شود.

۱- با توجه به تجربه گذشته، مداخلات نظام‌های سیاسی در نظام آموزش عالی قطع گردد و دانشگاه‌ها مطابق معیارهای علمی و جهانی فعالیت نمایند.

۲- اساتید و نخبگان حمایت شود و به معیشت آن‌ها توجه کافی صورت بگیرد.

۳- برای آموزش زنان شرایط خاص ایجاد شود تا بتوانند با خیال راحت به آموزش عالی ادامه بدهند.

۴- جهت دسترسی به منابع تاریخی آموزش عالی، اسناد و مدارک شناسایی و آرشیو گردد.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## References

- Alfonso, R. (2018). Connecting higher education and innovation to local development. *Futures*, 103, 73-83. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2018.04.004>
- Almasi Fard, M. R., Yarahmadi, M., Oroji, H., & Oroji, M. (2022). Analyzing the Mental patterns of the Academic Entrepreneurship Effects on NTBFs Development. *Journal of Science and Technology Policy*, 14(4), 73-90. [https://jstp.nrrip.ac.ir/article\\_13918\\_en.html](https://jstp.nrrip.ac.ir/article_13918_en.html)
- Andishmand, M. A. (2010). *Modern education of Afghanistan (1903-2010)*. . Meiwand Publications.

<sup>۱</sup> -Ministry of Higher Education

- Babury, M. O., & Hayward, F. M. (2014). Afghanistan higher education: The struggle for quality, merit, and transformation. *Planning for Higher Education*, 42(2), 1. [https://www.academia.edu/download/34072416/PHEV42N2\\_Full-Issue.pdf#page=6](https://www.academia.edu/download/34072416/PHEV42N2_Full-Issue.pdf#page=6)
- Baharustani, R. (2012). Comprehensive study of higher education in Afghanistan. *Kabul: Afghanistan Investment Support Agency, Research and Planning Department*. [https://scholar.google.com/scholar?q=related:3B5eLqNDjjAJ:scholar.google.com/&scioq=Comprehensive+Study+of+Higher+Education+in+Afghanistan.&hl=en&as\\_sdt=0,5](https://scholar.google.com/scholar?q=related:3B5eLqNDjjAJ:scholar.google.com/&scioq=Comprehensive+Study+of+Higher+Education+in+Afghanistan.&hl=en&as_sdt=0,5)
- Burridge, N., Maree Payne, A., & Rahmani, N. (2016). 'Education is as important for me as water is to sustaining life': perspectives on the higher education of women in Afghanistan. *Gender and Education*, 28(1), 128-147. <https://doi.org/10.1080/09540253.2015.1096922>
- Couch, D. (2019). The policy reassembly of Afghanistan's higher education system. *Globalisation, Societies and Education*, 17(1), 44-60. <https://doi.org/10.1080/14767724.2018.1523708>
- Daulatabadi, B. A. (2003). Birth certificate of Afghanistan. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Fathi Vajargah, K. (2022). The Re/Multicontextualization of Curriculum Studies in the New Century. *Journal of Curriculum Studies*, 17(65), 7-26. [https://www.jcsicsa.ir/article\\_154932.html?lang=en](https://www.jcsicsa.ir/article_154932.html?lang=en)
- Gall, M., Borg, W., & Gall, J. (2015). Quantitative and qualitative research methods in education and psychology. *Translation: Ahmad Reza Nasr Esfahani*. [https://scholar.google.com/scholar?q=related:aPx3bswiE9kJ:scholar.google.com/&scioq=Quantitative+and+qualitative+research+methods+in+education+and+psychology.+&hl=en&as\\_sdt=0,5](https://scholar.google.com/scholar?q=related:aPx3bswiE9kJ:scholar.google.com/&scioq=Quantitative+and+qualitative+research+methods+in+education+and+psychology.+&hl=en&as_sdt=0,5)
- Hoseini Moghadam, M. (2023). Artificial Intelligence and the Future of University Education in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 29(1), 1-25. <https://doi.org/10.61838/irphe.29.1.1>
- Hosseini Largani, S., Barani Ali Akbari, S., & Yadegarzadeh, G. (2019). Designing a system for compiling and developing university curricula. In: Tehran: Higher Education Research and Planning Institute [in Persian].
- Ibrahimi, N. (2014). Bureaucratic policies and patronage politics: Prospects and challenges of private higher education in Afghanistan. *Briefing Paper*. [https://scholar.google.com/scholar?q=related:D5WpsncS6gEJ:scholar.google.com/&scioq=Bureaucratic+Policies+and+Patronage+Politics+Prospects+and+Challenges+of+Private+Higher+Education+in+Afghanistan:+Afghanistan+Analysts+Network.+&hl=en&as\\_sdt=0,5](https://scholar.google.com/scholar?q=related:D5WpsncS6gEJ:scholar.google.com/&scioq=Bureaucratic+Policies+and+Patronage+Politics+Prospects+and+Challenges+of+Private+Higher+Education+in+Afghanistan:+Afghanistan+Analysts+Network.+&hl=en&as_sdt=0,5)
- Javaheri, F., & Helali Sotoudeh, M. (2022). University & Cultural Policies: The Relation Between Ideal and Reality. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 28(4), 23-41. [https://journal.irphe.ac.ir/jufile?ar\\_sfile=3899427&lang=en](https://journal.irphe.ac.ir/jufile?ar_sfile=3899427&lang=en)
- Kamali, H., Ghorban Shiroodi, A., & Rahimi, S. (2022). Towards Reviewing and Developing the Applicability of University E-Learning in the Post-Corona: Introducing a Strategic Model. *Journal of Science and Technology Policy*, 15(3), 13-28. [https://jstp.nrisp.ac.ir/article\\_13949\\_en.html?lang=fa](https://jstp.nrisp.ac.ir/article_13949_en.html?lang=fa)
- Kamgar, J. R. (2008). *History of Afghanistan education*. .
- Ministry of Higher Education of the Islamic Republic of Afghanistan, M. (2016). *National Strategic Plan for Higher Education 2016-2020*. . Publications Department of the Ministry of Higher Education.
- National Commission of Higher Education Curriculum, N. (2021). Guidelines for revision and development of academic curriculum. *Kabul: Department of Development of Scientific Programs of the Ministry of Higher Education*.
- Nazari, Q., Abolghasemi, M., Alami, F., Mohammadi Chaboki, R., & Ghahramani, M. (2022). Examining the Educational, Research and Organizational Challenges of New Faculty Members of Kandahar University, Afghanistan. *Journal of Science and Technology Policy*, 15(3), 1-12. [https://jstp.nrisp.ac.ir/article\\_13950\\_en.html?lang=fa](https://jstp.nrisp.ac.ir/article_13950_en.html?lang=fa)
- Niazi, O. (1989). *Factors and results of Haft Sawr coup*. Peshawar Publications.
- Niroo, W. T., & Glass, C. R. (2022). Illusions of improvement: aspirations and realities of quality assurance and accreditation policy in Afghanistan higher education. *Higher Education Research & Development*, 41(3), 952-966. <https://doi.org/10.1080/07294360.2020.1867514>
- Norouzzadeh, R., & Fathi Vajargah, K. (2008). *An introduction to university curriculum planning. First Edition*. . Higher Education Research and Planning Institute Publications.
- Rashidi, Z. (2023). Reflections on experiences of blended learning among leading countries in this field: Lessons for Iranian Higher Education. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 29(1), 27-52. <https://doi.org/10.61838/irphe.29.1.2>
- Romanowski, M. H., McCarthy, T., & Mitchell, T. L. (2007). Rebuilding Afghanistan's higher educational system: Observations from Kabul. *International Journal of Education Policy and Leadership*, 2(3). [https://www.researchgate.net/profile/Michael-Romanowski-2/publication/26636167\\_Rebuilding\\_Afghanistan's\\_Higher\\_Educational\\_System\\_Observations\\_from\\_Kabul/links/57babe7208ae14f440bda051/Rebuilding-Afghanistans-Higher-Educational-System-Observations-from-Kabul.pdf?origin=journalDetail&\\_tp=eyJWYWdlIjoiam91cm5hbERldGFpbCJ9](https://www.researchgate.net/profile/Michael-Romanowski-2/publication/26636167_Rebuilding_Afghanistan's_Higher_Educational_System_Observations_from_Kabul/links/57babe7208ae14f440bda051/Rebuilding-Afghanistans-Higher-Educational-System-Observations-from-Kabul.pdf?origin=journalDetail&_tp=eyJWYWdlIjoiam91cm5hbERldGFpbCJ9)





- Samady, S. R. (2001). Education and Afghan society in the twentieth century. <https://policycommons.net/artifacts/9799491/education-and-afghan-society-in-the-twentieth-century/10704058/>
- Shakir, S. U. (2012). Institutional Autonomy and Academic Freedom in the Afghan Public Higher Education Institutes: From 2002 to 2012.
- Sharifzadeh, F. (2011). The necessity of reidentifying educational system and its role regarding country's social-scientific development: A research on university undergraduate public administration program. <https://www.sid.ir/paper/241231/en>
- Vajari, T. D., Sorkhabi, M., Arefi, M., & Fardanesh, H. (2011). Conceptualization of curriculum development models in higher education. *Journal of Shahid Beheshti University*, 8, 48-62. <https://www.sid.ir/FileServer/JF/33313903005>